

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۹۸۴۷۷

دانشگاه باقرالعلوم (ع)

رساله کارشناسی ارشد
فلسفه و کلام

موضوع

گوهر دین از منظر عرفان اسلامی

استاد راهنما

آیه الله دکتر احمد بهشتی

استاد مشاور

حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمد مهدی گرجیان



نگارش

زهرا شریف

۱۳۸۷ / ۳ / ۲۳

۱۳۸۶

۹۱۴۷۷

به جای تقدیم:

از پشت دیوار قرون یک روز مردی می‌آید از خدا سرشار

با کوله‌باری از شقایق پر، با هیئتی از کربلا سرشار

صدها چو داوود نبی مستند از عطر آواز نگاه او

با او تمام این سکوتستان می‌گردد از شعر خدا سرشار

تشکر و قدردانی

این مجموعه مدیون زحمات اساتید محترم حضرت آیه الله دکتر بهشتی و حضرت حجة الاسلام و المسلمین دکتر گرجیان می باشد؛ نیز راهنماییهای ارزنده جناب استاد حضرت حجة الاسلام و المسلمین یزدان پناه را که در خلال امر راهگشایم بوده است، ارج می نهم و برای مادرم که همیشه مشوق و تکیه گاهم بوده است از درگاه الهی سلامت و عزت مسألت می نمایم.

چکیده

«گوهر و صدف دین» مسأله‌ای فلسفی - کلامی است که هر چند بستر شکل‌گیری آن مغرب‌زمین بوده و زمان رویش آن دوره رنسانس می‌باشد، اما این تولد جغرافیایی آن را محصور ننموده و در چند دهه اخیر، توجه اندیشمندان اسلامی را نیز به خود معطوف ساخته است.

از جمله دیدگاه‌هایی که در این باب مطرح شده است، دو نظریه «تجربه دینی» و «حکمت خالده» است. در نگرش اول گوهر دین، تجربه‌ای است که سبب می‌شود فاعل آن تجربه، دیندار تلقی گردد و صدف مجموعه باورها و عقایدی خواهد بود که با وصول به گوهر از آن استغناء حاصل می‌شود. در نظریه دوم بیان می‌شود که دین‌دارای دو ساحت ظاهری و باطنی است و سطح باطنی آن توحیدی است که بصورت حکمت خالده در درون انسان دیندار تجلی نموده و تنه‌راه رسیدن به آن شهود می‌باشد. صدف نیز سنت‌هایی هستند - اعم از دین و یا تبعات آن در جامعه - که رهنمون به سوی گوهرند و البته چه بسا صدف‌های مختلفی در عرض یکدیگر موصل به توحید باشند.

در عرف عرفان، دین حقیقتی است واحد که دارای تجلیات سه‌گانه می‌باشد. رابطه میان سه تجلی بر اساس ظهور و بطون است که سبب می‌شود لایه باطنی دین که همان توحید عرفانی و یا وحدت شخصیه است، گوهر دین بوده و جلوه‌های ظاهری اگر چه به عنوان صدف مطرح می‌شوند اما رقیقه همان حقیقت باطنی بوده، فلذا هیچگاه قابل زوال نخواهند بود.

آنچه در عرفان خصیصه بارزی به شمار می‌رود، انفکاک گوهر دین از گوهر دینداری است؛ این دو هر چند ارتباط وثیقی با یکدیگر دارند اما هر یک دارای واقعیتی نفس‌الامری هستند. دینداری دارای مراتب

مختلفی است که بازگشت رابطه آنها نیز به ظهور و بطون می باشد. آنچه عارف در مرحله نهایی دینداری واجد آن می شود، شهود حق الیقینی توحید عرفانی است. پس گوهر دین و دینداری بایکدیگر متناظرند.

ادبیات عارفانه عرفان نیز هر چند جنبه ای احساسی به خود می گیرد، اما متأثر از مباحث هستی شناسانه آنهاست؛ لذا ایشان عشق را دینی معرفی نموده که در نهایت آن اثنینیت میان عاشق و معشوق محو شده و عاشق را فانی در معشوق می داند.

در این میان هر چند گوهر دین و دینداری مقامی مشترک میان ادیان الهی محسوب می شود، اما این قول به وحدت جوهری ادیان سبب پذیرش تکثر گرایی دینی نخواهد شد و تسلیم به دینی خاص از لوازم این نگرش است.

در نهایت دیده می شود مباحث معرفتی عرفان در ارتباط با مواضع هستی شناسانه آنها بوده و البته ایشان در این امور و امدار شریعت و فهم عمیق آن هستند.

فهرست مطالب

مقدمه	۱
فصل اول: کلیات	۳
۱-۱. مفهوم شناسی	۴
۱-۱-۱. گوهر و صدف در آئینه‌ها و آژگان	۴
۱-۱-۲. گوهر و صدف در اصطلاح	۴
۱-۲. تبیین موضوع	۵
۱-۳. پرسشهای تحقیق	۷
۱-۴. ضرورت و اهمیت مسأله	۷
۱-۵. روش، مراحل و محدودیتهای تحقیق	۸
۱-۶. پیشینه تحقیق	۹
۱-۷. تاریخچه و زمینه‌های مسأله گوهر دین	۹
۱-۸. جایگاه بحث و ارتباط آن با دیگر مسائل فلسفه دین	۱۲
۱-۹. گوهر دین و پلورالیسم دینی	۱۳
۱-۹-۱. رویکردهای موجود در دیدگاه پلورالیسم	۱۵
۱-۹-۲. ارزیابی ارتباط رویکردهای یادشده با "گوهر دین"	۱۷

فصل دوم: جستاری در نظریات موجود ۲۴

۲-۱. دیدگاه تجربه گرایان دینی: تجربه دینی ۲۵

۲-۱-۱. مقدمه: نگاهی کوتاه به تجربه و تجربه گرایی دینی ۲۵

الف. تعریف ۲۵

ب. تاریخچه و زمینه‌ها ۲۶

ج. عوامل پیدایش تجربه گرایی دینی ۲۷

د. تمایز اصطلاح تجربه دینی از اصطلاحات و امور دیگر ۲۷

ه. اقسام تجارب دینی ۲۸

و. دیدگاههای مهم در باب ماهیت تجربه دینی ۳۰

۱/ و. احساسی و عاطفی بودن تجربه دینی ۳۰

۲/ و. همانندی تجربه دینی با تجربه حسی ۳۳

۳/ و. فوق طبیعی پنداشتن تجربه ۳۶

۲-۲. تجربه گرایی دینی و گوهر دین ۳۸

الف) دیدگاههای تجربه گرایان در باب گوهر دین ۳۹

۱/ الف) شلایر ماخر ۳۹

۲/ الف) ویلیام جیمز ۴۰

۳/ الف) رودلف اتو ۴۲

۴/ الف) والتر ترنس استیس ۴۲

۵/ الف) پل تیلیش ۴۲

۶/ الف) برخی از روشنفکران دینی مسلمان ۴۲

ب) ارزیابی دیدگاهها ۴۴

۱/ ب) ارزیابی دیدگاه شلایر ماخر ۴۴

۲/ ب) ارزیابی دیدگاه جیمز ۴۴

۳/ ب) ارزیابی دیدگاه اتو ۴۵

۴/ ب) ارزیابی دیدگاه استیس ۴۵

۵/ ب) ارزیابی دیدگاه برخی از روشنفکران مسلمان ۴۵

۲-۲. نظریه حکمت خالده (دیدگاه سنت گرایان) ۴۷

- ۲-۲-۱. مقدمه: نگاهی کوتاه به سنت گرایي ۴۷
- ۲-۲-۲. حکمت خالده و گوهر دین ۴۹
- ۲-۲-۳. وحدت متعالی ادیان (و تشبیه ساحت ظاهری همه ادیان) ۵۰
- ۲-۲-۴. ارزیابی دیدگاه سنت گرایان ۵۲

فصل سوم: مبانی هستی شناختی بحث گوهر دین در عرفان اسلامی ۵۵

- ۳-۱. عرفان چیست و موضوع آن کدام است ۵۶
- ۳-۲. تعریف وجود عرفانی و ارائه دقیق موضوع این علم ۵۹
- ۳-۳. وحدت شخصیه؛ مبانی و فروع ۶۳
- ۳-۴. مراتب نظام هستی ۶۷
- ۳-۴-۱. تعیین اول ۷۰
- ۳-۴-۲. تعیین ثانی ۷۱
- ۳-۴-۳. عالم عقل، مثال و ماده ۷۲
- ۳-۴-۴. انسان کامل ۷۳
- ۳-۴-۵. نفس رحمانی ۷۳

فصل چهارم: گوهر دین در عرفان اسلامی ۷۵

- ۴-۱. چیستی گوهر دین ۷۶
- ۴-۱-۱. ربط هستی شناسی عرفانی به معرفت شناسی دینی ۷۶
- ۴-۱-۲. چیستی دین ۷۹
- الف. تقسیم دین به حقی و خلقی ۷۹
- الف/۱. دین حقی ۷۹

- ۲الف. دین خلقی ۸۰
- ۳-۱-۴. منشأ اسمائی دین ۸۴
- ۴-۱-۴. مراتب سه گانه دین ۸۷
- الف. دین، جامع شریعت، طریقت و حقیقت ۸۸
- ۱الف. شریعت ۸۸
- ۲الف. طریقت ۸۹
- ۳الف. حقیقت ۸۹
- ب. مراتب سه گانه دین و تنظیرهای ثلاثی آن ۹۴
- ۵-۱-۴. رابطه مراتب سه گانه دین ۹۵
- الف. عینیت به حسب متن ۹۶
- ب. غیریت به حسب ظهور ۹۷
- ه. جمع بندی ۱۰۴
- ۶-۱-۴. تشریح مرتبه نهایی دین و وجه گوهر بودن آن ۱۰۶
- الف. تطبیق حقیقت بر تعین اول است یا تعین ثانی ۱۰۶
- ب. «حقیقت» مقام جمع است ۱۰۸
- ج. مقام حقیقت مرتبه توحید ذاتی است ۱۱۰
- د. گوهر دین مقام حقیقت است ۱۱۱
- ۷-۱-۴. جمع بندی (جایگاه صدف در رابطه با گوهر دین عرفانی) ۱۱۲
- ۲-۴. چیستی گوهر دینداری ۱۱۶
- ۱-۲-۴. چیستی دینداری (انسانهای کامل، دینداران حقیقی) ۱۱۶
- ۲-۲-۴. مراحل دینداری انسانهای کامل (و تعاریف آنها) ۱۱۷
- الف. تقسیم مراحل به رسالت، نبوت و ولایت ۱۱۷
- ب. تعریف ولایت، نبوت، رسالت ۱۱۷
۱. ب. ولایت ۱۱۷
۲. ب. نبوت ۱۲۲
۳. ب. رسالت ۱۲۵
- ۳-۲-۴. رابطه مراحل دینداری با یکدیگر ۱۲۶

- الف. عینیت به حسب متن ۱۲۶
- ب. غیریت به حسب ظهور ۱۲۷
- ۴-۲-۴. ولایت سر نبوت و مقام اصلی انسان کامل ۱۲۹
- الف. بازگشت علوم نبوی به معارف ولوی (با توجه به ظهور و بطون) ۱۲۹
- ب. مقام ولایت، مقام نوع انسان ۱۳۱
- ۴-۲-۵. تشریح مرتبه نهایی دینداری و وجه گوهر بودن آن ۱۳۲
- الف. مقام ولایت، گوهر راستین دینداری است ۱۳۲
- ب. مقام ولایت، مقام بقاء بعدالفناء است ۱۳۳
- ج. مقام ولایت شهود و وحدت در عالم اله است ۱۳۵
- د. مقام ولایت داری مراتبی است که بالاترین آن فنای ذاتی است ۱۳۶
- هـ. ملقی در تجلی ذاتی، حق از جهت ربوبیت است ۱۳۷
- و. بالاترین مرتبه ولایت اصالتاً برای حقیقت محمدیه (ص) است ۱۳۸
- ز. فناء، کشف شهودی است، نه علم حصولی ۱۳۹
- ۴-۶-۲. جمع بندی ۱۴۰
- ۴-۳. رابطه گوهر دین و گوهر دینداری ۱۴۲
- ۴-۳-۱. تناظر مراتب دین با مراتب دینداری ۱۴۲
- الف. عینیت به متن، غیریت به ظهور در مراتب دین و دینداری ۱۴۲
- ب. اسم «رب» منشأ دین و ملقی دینداری ۱۴۴
- ج. تساوی عوالم هستی با مراتب دین و دینداری ۱۴۴
- ۴-۳-۲. اتحاد گوهر دین (حقیقت) و گوهر دینداری (ولایت) ۱۴۴
- الف. ولایت، شهود حق الیقینی حقیقت ۱۴۴
- ب. اخذ معنای دینداری در واژه دین ۱۴۵
- ۴-۳-۳. جمع بندی ۱۴۷
- ۴-۴. عشق، گوهر دین و دینداری ۱۴۸
- ۴-۴-۱. عشق، ما به الاشتراک وجود و موجود ۱۴۸

- ۴-۴-۲. وجود، مابه‌الاشتراک عاشق و معشوق ۱۴۹
- ۴-۴-۳. تساوی عشق و وجود ۱۵۰
- ۴-۴-۴. «وحدت در عشق»، گوهر دین ۱۵۲
- ۴-۴-۵. «مشاهده حق‌الیقینی وحدت عشق»، گوهر دینداری ۱۵۵
- ۴-۴-۶. جمع‌بندی ۱۶۲
- ۴-۵. گوهر دین و ادیان مختلف ۱۶۳
- ۴-۵-۱. وحدت در ادیان الهی ۱۶۳
- ۴-۵-۲. تکثر در ادیان الهی ۱۶۵
- ۴-۵-۳. تعیین تسلیم به دین خاص و نفی کثرت‌گرایی دینی ۱۶۶
- ۴-۵-۴. جمع‌بندی ۱۶۹
- فصل پنجم: جمع‌بندی و ارزیابی ۱۷۱
- فهرست منابع ۱۷۸

مقدمه

«أنت الذي أشرقت الأنوار في قلوب أوليائك حتى عرفوك ووَحدوك وأزلت الأغيار عن قلوب أحبائك حتى لم يُحبوا سواك»؛ در زمانه خود رأیی اندیشه‌ها و عناد طغیان‌گران دین‌ندار، صحبت از سعادت بشر ساخته و خیرخواهی دشمنان به ظاهر دوست، تحت لوای دینداری و قوانین و مبانی که خود معرفی می‌کنند و مستند به هیچ یک از ادیان دست نخورده الهی نیست، تلاش مذبحخانه‌ای است برای انحراف دین اصیل و تضعیف جریانات فکری مؤید شریعت و مؤید به آن، تا آنکه آدمی را از وظیفه اصلی خویش که رشد معرفتی در سایه انقیاد حق و حقیقت است، باز داشته و به ورطه‌ای احساسی و انتزاعی بکشاند.

در این میان شفاف نمودن نظرات مکاتب اسلامی، باری است بر عهده هر دانش‌پژوه و محقق آینده‌نگری که به بقاء حیات طیبه در سایه معارف حقه، مشفق است. معرفی "گوهر دین از منظر عرفان اسلامی" نیز قدمی است در جهت روشنگری اهل دانش در باب تبیین دقیق و صحیح نظرات دین‌پژوهانه عرفا؛ آنجا که توحید و ولایت به یکدیگر گره خورده و با تولد نبوت، شریعت جوشش می‌گیرد تا رهپویان "راه" را به آداب طریقت مؤدب سازد و در نهایت به حلاوت حقیقت رهنمون باشد.

در این تحقیق، سعی بر آن بوده است که به دور از دخالت نظرات شخصی و تفکرات فردی، به بیان نظریه عرفای اسلامی پرداخته و تا آنجا که توان یا رمان بوده است، خواسته‌ایم که از کنار هم قرار دادن متون و نیز توجه به مبانی اصلی نظام عرفانی به سمت شناخت گوهر مختار عرفان، قدم برداریم. لذا ضروری دیده شد تا قبل از ورود به متون صاحبان نظر در این وادی، به توضیحی گذرا از مبانی عرفان نظری اسلامی پرداخته شود تا بعدها در تفسیر و استفاده از نکات، با مشکلی روبرو نشویم. سپس با ارائه نظرات مجموعه‌های بدیل از جمله مکاتب غربی، سعی بر بازنمایی ضعفها یا قوت‌های

نظریات عرفان اسلامی داشته ایم. البته هدف این رساله ارائه نظر عرفاست و به همین دلیل از بررسی تفصیلی نظرات سایرین که نوعی بیراهه رفتن در این مجموعه محسوب می شود، پرهیز کرده ایم.

در انتها آرزو داریم که توانسته باشیم نظر مرضی را بیان کرده و قدم قلممان از خطای در جستار و گفتار مصون بوده باشد. به امید آنکه این تلاش کوچک، بهانه ای گردد در جهت کشیده شدن در مسیر دینداری اصیل در پرتو گوهر واقعی دین و دینداری، در ظل عنایات خزینه دار اصلی گوهر دین، قطب عالم امکان و وجوب، حضرت ولی عصر (عج الله تعالی فرجه الشریف).

فصل اول

کلیات

۱-۱. مفهوم شناسی

۱-۱-۱. گوهر و صدف در آئینه واژگان

«گوهر» در لغت به معنای مروارید، لؤلؤ و هر یک از سنگ های قیمتی است^۱ و معرب کلمه گوهر، همان «جوهر» است که به معنی اصل و خلاصه هر چیز، اصیل و پاک، رشید و آنچه قائم به ذات باشد، استفاده شده است^۲. گاه به سنگهای گرانبها نیز جوهر می گویند و یا مطابق با نظر برخی قدما به اجزاء غیر قابل انقسام نیز گفته می شود.^۳

«صدف» نیز به معنی جلد کتینی می باشد.^۴

معادل انگلیسی گوهر، واژه substance است که در معانی جسم، ماده، شیء، ماده اصلی، ذات، جوهر، مفاد مفهوم، استحکام و دوام به کار رفته است.^۵

با توجه به معنای یادشده، چنانکه خود لفظ و استعمالات آن نیز بر می تابد، گوهر به معنای "اصل و جوهره" هر چیز و "بخش گرانبها"ی آن می باشد؛ آنچه که بدان قوام شیء حاصل شده، و تا آن هست شیء ناگزیر باید باشد.

۱-۱-۲. گوهر و صدف در اصطلاح

در اصطلاح و بحث حاضر نیز معانی دو واژه فوق، به همین مقیاس است. یعنی گوهر دین، مرتبه و بخشی از دین است که پایه و ریشه دین محسوب می شود؛ جایی که می توان گفت مهمترین حکمت تشریح شریعت و تقنین قوانین طریقت بوده، و در نتیجه هر کس واجد آن باشد، صاحب مقام دینداری می شود و هر آنکه از دارایی چنین گوهری مهجور مانده، حظی از دین و دینداری حقیقی نبرده است. و صدف نیز مرتبه ای از خود دین است که صائن گوهر و راه وصول بدان است::

۱ - فرهنگ معین؛ ج ۶، ص ۱۷۴۹

۲ - همان، ج ۱، ص ۱۲۵۷

۳ - همان

۴ - همان، ج ۲، ص ۲۱۴۰

۵ - فرهنگ هزاره، ج ۲، ص ۱۲۳۹

منظور از گوهر دین آن بخشی از دین است که دین، اساساً برای آن آمده است. (به عبارت دیگر اصل، هدف، اساس و جزء کلیدی دین را گوهر دین گویند) صدف دین، به آن اجزائی از دین اطلاق می شود که در حکم وسایل و طرقی برای وصول به گوهر دین هستند.^۱

در این بحث، مفهوم گوهر در مقایسه با معنای صدف، بهتر و روشن تر فهمیده می شود. صدف دین، چنانکه از لفظ آن برمی آید، راهی است برای دستیابی به مروراید و گوهر دین؛ یعنی آنچه طی و گذر از آن، به منظور وصول به گوهر لازم است.

پس در منظر این بحث، دین از دو بستر اصلی و فرعی سر بر می آورد: نخست بخش اصلی دین که همان گوهر دین است و دوم بخش فرعی یا همان صدف دین که البته در نحوه چینش و ارتباط میان این دو، سه صورت ممکن است پدیدار گردد:

- اول آنکه، گوهر دین را مهم ترین عضو دین دانسته که در نتیجه، دین مجموعه ای شود از اعضاء اصلی و فرعی، که اعضاء اصلی و از جمله مهمترین آنها یعنی گوهر دین، در خور توجه بیشتری هستند و اعضاء فرعی هر چند در دستگاه دینی بایسته عمل هستند، اما در درجه پایینتری نسبت به اعضاء اصلی قرار دارند.

- دوم آنکه هدف اعمال دینی را گوهر دین بدانیم و صدف را مجموعه اسباب و علل وصول به آن گوهر، لذا دین گذار بخش گوهری دین را مهم ترین بخش دین می داند و اجزاء دیگر را (در محدوده صدف دین) بنا به نقشی که در ایصال به گوهر دارند، رتبه بندی می نماید.

- سوم تصویری است که دو تصویر یاد شده را نیز در بر دارد: به این صورت که گوهر دین جدای از صدف دین نیست، بلکه گوهر از اجتماع آموزه های دینی - که همان صدف دین است - فراهم می آید و در نتیجه، گوهر و صدف در حقیقت یک چیزند، اما گوهر اجمال و بطون آن حقیقت، و صدف تفصیل و ظهور آن است.

با توجه به نظر تکاملی سوم، معلوم می گردد که مقصود هر یک از گوهر و صدف به ترتیب هسته و پوسته دین است که این، به انحاء گوناگونی قابل تفسیر است.

۱-۲. تبیین موضوع

گوهر دین، عنوان بحثی کلامی است که به سیاق امروزین خود، بیشتر در مباحث دین شناسانه مغرب زمین، از قرن نوزدهم میلادی (اواخر هیجده و اوایل نوزده) مورد توجه واقع شده است. این موضوع در جهان اسلام، هنگامی که با دو واژه خاص صدف و گوهر دین مورد گفتگو قرار می گیرد، مسأله ای از مسائل جدید کلامی (یا کلام جدید) بر شمرده

۱- ملکیان، مصطفی؛ مسائل جدید کلامی، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۵۰، ص ۱۲.

می شود که قدمت آن به بیش از چند دهه نمی رسد. البته اینکه دو دانش "دین شناسی" و "کلام" چه ارتباطات، شباهت ها و تفاوت هایی در موضوع، غایت و روش خود دارند، بحث ویژه ای می طلبد؛ ولی توجه به این نکته ضروری است که آغاز این بحث در میان متفکران غربی - که ریشه در گرفتن همین بحث در دوره جدید کلامی جهان اسلام نیز هست - معلول فرهنگی است که در آن نظریات و آرای جدید، تضعیف مبانی اعتقادات و اعمال دینی را موجب شده و در صدد کمرنگ نمودن آثار و فوایدشان می باشد.

مباحث دین پژوهانه و فلسفه دین در چنین فضایی، در جهت ایجاد اعتدالی میان انسان محوری و علم گرایی از یک سو، و تعهد مذهبی از سوی دیگر قدم بر می دارد، که البته به سبب غلبه فرهنگ غیر دینی و نیز ضعف درونی دو دین مسیحیت و یهودیت، جز فرو کاستن دین به یک سلسله احساسات و یا تجارب درونی ضعیف - که نقش چندانی در حیات بشر ایفا نمی کند - نتیجه ای در بر نداشته است.

با نگاهی به این تاریخچه از دین پژوهی و فلسفه دین در غرب، می توان ادعا نمود که چنین مباحثی چنانچه در جهان اسلام مطرح گردد (حتی در نوع فلسفه دینی و دین پژوهانه خود)، از لحاظ شیوه نگرش اندیشمندان به این مباحث، فرقی ماهوی با مشابه غربی خود خواهد داشت. از این رو، در مسأله ای چون «گوهر دین»، تلاش اندیشمندان اسلامی - برخلاف دین پژوهان غربی - نه برای تصویر یک "اساس" تحت عنوان دینداری در خارج از حیطه اجزای شناخته شده دین بلکه برای یافتن جزئی از خود دین است که به منزله متن و مضمونی اساسی است که خود را در همه تار و پود دین تنیده است و در هر قسمتی از دین، به گونه ای خود را آشکار می کند. به عبارت دیگر، اساساً دغدغه های متفکران غربی و اسلامی در این زمینه متفاوت است: دغدغه فیلسوف دین در مغرب زمین این است که با وجود زیر سؤال رفتن برخی از متون اصلی دین مسیحیت و برغم چالشی که علیه اعتقادات و امور مذهبی به راه افتاده است، دین را از خطر نابودی برهاند و این می طلبد که تدین و تعهد دینی در غیر از اعتقادات و اعمال دین جستجو گردد. اما اندیشمند مسلمان می داند که متن اصلی دین او همچنان پابرجاست، از این رو حقیقت و هویت اصلی دین و دینداری را در چیزی غیر از دین برآمده از حقیقت جستجو نخواهند کرد.

فیلسوف دینی غربی اساساً پذیرفته است که متن دینی که او می شناسد - بطور مثال مسیحیت - متنی اصیل و وحیانی نیست و یا در دیدی خوش بینانه تر نسبت به اصالت آن تردید دارد. ولی فیلسوف دین مسلمان - حتی در نگاهی برون دینی که موضوع این مسأله در آن، دین بطور مطلق است نه یک دین خاص - می تواند نظر متن دینی خود را به عنوان نظریه ای قوی در خلال نظریات موجود در بحث، مطرح نموده و آن را مورد تجزیه و تحلیل و مقایسه قرار دهد و به طریق اولی، در نگاهی درون دینی، وی همین نظر را می تواند به عنوان نظریه نهایی، تلقی نماید و مجدداً در صدد تحصیل آن برآید.

موضوع «گوهر دین از منظر عرفان اسلامی»، موضوعی است که با چنین تحلیلی به عنوان موضوع این پایان نامه انتخاب گردیده است. این موضوع، چنانکه از خلال گفته ها معلوم شد، مایه اساسی دین و دینداری را مدنظر قرار داده است و به تحلیل عبارات عرفان اسلامی در این باب می پردازد. عرفان اسلامی نیز با نگرشی دینی و اسلامی و با استمداد از شریعت به این موضوع پرداخته اند - چنانکه روشن خواهد شد؛. اما در این پژوهش آنچه مهم است این است که نظر عرفان اسلامی در هر مسأله برای مجموعه طالبان حق و حقیقت، از اهمیت بالا و معتنا بهی برخوردار است؛ از این رو هر نظری که به عرفان انتساب پیدا کند، تأثیر عمده ای در نگرش به این بحث خواهد داشت.

۳-۱. پرسشهای تحقیق

با توجه به آنچه گذشت، پرسشهای کلیدی و اصلی بحث را می توان در سه سؤال زیر خلاصه نمود:

- آیا در عرفان اسلامی، اساساً نوعی در مجموعه اجزای مربوط به دین و دینداری، به درجه بندی قائل اند و اصل و فرع

و یا صدف و گوهر در آن، در نظر می گیرند یا خیر؟

- در صورت مثبت بودن پاسخ سؤال فوق، در عرفان اسلامی چه چیزی گوهر و اصل است و چه چیزی صدف و فرع؟

- رابطه گوهر با صدف در عرفان اسلامی چگونه تبیین گشته است؟

نیز با توجه به جوانب مختلف این موضوع، می توان پرسشهایی فرعی را بدین شرح مورد توجه قرار داد:

- آیا دیدگاه عرفان اسلامی در باب صدف و گوهر دین، دلیلی بر تأیید کثرت گرایی دینی از سوی عرفان اسلامی هست

یا خیر؟

- آیا رابطه صدف و گوهر دین در عرفان اسلامی، با اباحی گری برخی از صوفیه ملازمه ای دارد یا خیر و اساساً دیدگاه

عارفان مهم و محقق در این باب چیست؟

۴-۱. ضرورت و اهمیت مسأله

چنانکه بیان شد، نظریات غربیان (و یا شرقیان متأثر از آنها) در این مسأله، در جهت رها کردن دین از ضرباتی است که پژوهش های تاریخی، علمی و نظریات فلسفی غرب بر پیکره دین، وارد ساخته است و مقصود فیلسوفان غربی از بحثی به نام «گوهر دین»، صرفاً از بین نرفتن دین و بقاء حیات آنست در زندگی عادی و روزمره آدمیانی که خسته از جنجال های علمی و ناتوانی آموزه های دینی و اربابان دین از دفاع در برابر همه این هجمه ها، قصد دارند با دین و مباحث عقیدتی و التزامات عملی آن خداحافظی نموده و معیشتی بدون دین را تجربه نمایند. لذا ثمره کوشش اندیشمندان

غرب، هر چند ممکن است که بتواند دین را چندی دیگر در میان انسان‌ها زنده نگه دارد، ولی بهای ماندنش را با از بین رفتن بسیاری از محتویات و جان مایه های اصلی دین می پردازد. در این بین نه تنها دین بصورت متنی نفس الامری مورد نظر قرار نمی گیرد بلکه با کاهش مبانی اعتقادی دین از مرتبه علمی و عملی آن به یک احساس و تجربه دینی بدون تفاوت گذاردن میان گوهر دین و گوهر دینداری خاتمه می پذیرد. این نحوه پرداختن به لایه های دین، هر چند افرادی را تحت لوای دین نگه می دارد، اما جای این پرسش باقی است که کدامین دین؟ آیا دینی را که تمامی عقاید و اصول علمی و عملی آن به ورطه فراموشی رفته است، می توان دینی اصیل دانست؟ و صرفاً با تکیه بر احساس دیندار تلقی شد؟ با توجه به سابقه ای که این بحث در جهان غرب دارد و عواقبی که به دنبال داشته است، ضرورت پیگیری آن، از دیدگاههای مکاتب اسلامی بویژه دیدگاه عرفان اسلامی - که گهگاه، بی تحقیق، نظریاتی نادرست بدان نسبت داده می شود - ضروری می نماید و این ضرورت آنجا وضوح بیشتری می یابد که موضوع «گوهر دین» با آمیخته شدن با مباحثی همچون «پلورالیسم دینی»، تحت نام عرفان اسلامی، می رود تا آرام آرام، ریشه «ادعای صدق انحصاری دین»، «وجود دین کامل و برتری بنام اسلام» و هزاران مسأله حیاتی دیگر را بخشکاند، لذاست که با پرداختن به این موضوع از منظر عرفان اسلامی، می توان الگوی درخشانی از دیدگاههای ژرف اسلامی را در این مسأله به گستره دین شناسی و فلسفه دین عرضه نمود تا در سایه آن، نه تنها پلورالیسم دینی را از اعتبار انداخت، بلکه با دستیابی به نظریه ارزشمندی همچون «وحدت گوهری ادیان»، زمینه را برای معرفی اسلام به عنوان دین حق و راستین فراهم نمود؛ و نیز با توجه به آن، بسیاری از سوء تفاهمات و سوءجویی‌ها را نسبت به عرفان برطرف کرده، زمینه‌ای مناسب برای پژوهشهای عمیقتر فراهم ساخت.

۵-۱۰. روش، مراحل و محدودیتهای تحقیق

واضح و روشن است که برای رسیدن به گوهر دین از منظر عرفان اسلامی، جز روش تحقیق و تفحص در عبارات و کتب عرفانی و تجزیه و تحلیل آنها، مسیر دیگری وجود نخواهد داشت، پس چنانکه معلوم است روش تحقیق پیرامون این موضوع - و موضوعاتی از این قبیل که منبع اصلی تحقیقی آنها مشخص بوده و حیطه تحقیقی آن مربوط به کتبی تاریخی و معین می باشد - روشی جز کتابخانه ای نخواهد بود.

با توجه به روش یادشده، مراحل زیر جهت ساماندهی بدنه اصلی این پژوهش انجام شده است:

- تفحص کامل در کتب اصلی عرفان اسلامی، بویژه آثار متعلق به دوره ابن عربی و پس از آن. این مرحله به منظور یافتن عبارات و استنادات مناسب با این موضوع انجام شده است.

- دسته بندی موضوعی عبارات و بازیابی عناوین اصلی و فرعی این موضوع در آنها.

- تجزیه و تحلیل عبارات مربوط به هر بخش و یافتن دیدگاه عرفان در آن، با توجه به کلیه عبارات آن بخش.